

چالش‌های سیاست خارجی روسیه در آسیای مرکزی

رضا سیمبر^۱

مهدی پادروند^۲

به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشور روسیه به دلیل مشکلات داخلی برای مدت کوتاهی از توجه جدی به مسائل آسیای مرکزی و قفقاز بازماند. این موضوع که سبب خلاء ژئوپلیتیک در این منطقه شد، فعالیت گسترده بازیگران منطقه‌ای مانند ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی و نیز بازیگران جهانی مانند ناتو و آمریکا را به دنبال داشت. با تعریف رهبران روسیه از آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان «خارج نزدیک» در سند امنیت ملی این کشور در سال ۲۰۱۵ و همچنین پیوندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فدراسیون روسیه با جمهوری‌های جدید این مناطق باعث حساسیت و توجه جدی دوباره روسیه به این مناطق شد و به دنبال آن روسیه منطقه آسیای مرکزی را بخشی از «حیات خلوت» و یا «منطقه نفوذ» خود می‌داند و در صد گسترش نفوذ و همکاری خود با جمهوری‌های تازه استقلال یافته این منطقه می‌باشد. این مقاله با هدف بررسی مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی روسیه و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در صد پاسخگویی به این پرسش است که مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی روسیه با توجه به سند امنیت ملی این کشور در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین در آسیای مرکزی برای توسعه همکاری و نفوذ خود با این جمهوری‌ها چه عواملی می‌باشند؟ فرضیه مقاله که با استفاده از واقع‌گرایی تدافعی انجام شده است، بیان می‌دارد، گسترش ناتو به شرق، قاچاق مواد مخدر، توسعه و گسترش فعالیت گروه‌های تروریستی در این منطقه و همچنین یک‌جانبه‌گرایی آمریکا از جمله مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی روسیه برای رسیدن به هدف مذکور می‌تواند باشد. این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فضای مجازی سعی در بررسی این موضوع دارد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی روسیه، آسیای مرکزی، ناتو، آمریکا و گروه‌های تروریستی.

^۱. نویسنده مسئول، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران. Email: rezasimbar@hotmail.com

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: padervand.mahdi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۱۵ و تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۸

مقدمه

روسیه در سال‌های اخیر سیاست خارجی فعال‌تری را در مناطق پیرامونی خود به نمایش گذاشته است و با به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین به عنوان رئیس‌جمهور این کشور از تحرک بیشتری برخوردار شده است. پوتین که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را بزرگ‌ترین فاجعه ژئوپلیتیک قرن^۱ خواند، مناطق پیرامونی روسیه را حوزه نفوذ و حیات خلوت این کشور به حساب آورده و بر حضور پررنگ روسیه در این کشورها تاکید کرده است.

آسیای مرکزی از مهم‌ترین مناطق پیرامونی روسیه است که سیاست‌های منطقه‌ای این کشور در قبال آن، تابع ملاحظات امنیتی^۲ و استراتژیک^۳ می‌باشد. سیاست خارجی انفعالی روس‌ها در این منطقه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باعث شد که سایر قدرت‌ها در پی گسترش نفوذ خود در آسیای مرکزی برآیند؛ اما چندی نگذشت که روسیه سیاست نگاه به شرق^۴ را در دستورکار خود قرار داد و تلاش کرد تا با ایجاد همگرایی گسترده منطقه‌ای^۵، مانع حضور سایر قدرت‌ها در کشورهای همجوار خود شود (فاطمی‌نژاد و هاشمی، ۱۳۹۴).

مسکو در چارچوب سیاست نگاه به شرق در سال ۱۹۹۳ دکترین نوآوراسیاگرایی^۶ لئون دوگین^۷ را در دستورکار خود قرار داد که بر طبق آن از کشورهای آسیای مرکزی تحت عنوان «خارج نزدیک»^۸ یاد می‌شود. روسیه در چارچوب دکترین نوآوراسیاگرایی سعی در گسترش و بسط قلمرو ژئوپلیتیک خود در آسیای مرکزی داشته و در پی تامین منافع حیاتی خویش است. این موضوع در کنار جغرافیای پهناور مسکو باعث شده است که امروزه سیاستمداران روسیه عقبه‌های سیاست خارجی خود را بر پایه موضوعاتی از قبیل رقابت با آمریکا، گسترش ناتو به شرق^۹ و منافع اقتصادی تنظیم کنند. در عین حال با روی کار آمدن نوآوراسیاگراها در روسیه نکته قابل توجه، ارتقاء گفتمان امنیتی در سیاست خارجی این کشور است؛ به گونه‌ای که آنها نمی‌توانند نسبت به موضوعات امنیتی موجود در مناطق

^۱. The Geopolitical Disaster of the Century

^۲. Security Considerations

^۳. Strategic

^۴. Look to the East

^۵. Regional Widespread Convergence

^۶. Eurasianist Doctrine

^۷. Leon Dugini

^۸. Close up

^۹. Nato Expansion to the East

پیرامونی به ویژه در حوزه آسیای مرکزی بی تفاوت باشند. از طرفی این موضوع باعث پُررنگ شدن کنترل و نفوذ در خارج نزدیک برای بقا در محیط رقابتی بین‌المللی در سیاست خارجی مسکو شده و روس‌ها می‌کوشند، کشورهای این منطقه را با سیاست خارجی خود هماهنگ کنند (هدایتی شهیدانی و رضاپور، ۱۳۹۵).

بر این مبنا این مقاله با هدف بررسی مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی روسیه و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در صدد پاسخگویی به این پرسش است که مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی روسیه با توجه به سند امنیت ملی این کشور در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین در آسیای مرکزی برای توسعه همکاری و نفوذ خود با این جمهوری‌ها چه مسائلی را شامل می‌شوند؟ فرضیه مقاله که با استفاده از واقع‌گرایی تدافعی^۱ انجام شده است، بیان می‌دارد که گسترش ناتو به شرق، قاچاق مواد مخدر، توسعه و گسترش فعالیت گروه‌های تروریستی در این منطقه و همچنین یک‌جانبه‌گرایی آمریکا از جمله مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی روسیه برای رسیدن به هدف مذکور هستند. این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فضای مجازی سعی در بررسی این موضوع دارد.

چارچوب نظری

تا اواخر قرن بیستم نظریه موازنه قوای^۲ واقع‌گرایان^۳ یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها برای تبیین روابط بین دولت‌ها محسوب می‌شد. اما وقایعی نظیر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان نظام دوقطبی، تبدیل شدن ایالات متحده آمریکا به ابرقدرت مهم نظام بین‌الملل و نیز عدم شکل‌گیری موازنه در برابر آن تا اواخر قرن بیستم باعث شد تا کاربرد و قدرت تبیین نظریه موازنه قوا توسط بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل مورد تردید قرار گیرد و انتقادهایی از سوی آنها بر این نظریه وارد شود. چرا که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با وجود تبدیل ایالات متحده به قدرت مهم بین‌المللی، تمایل جدی برای ایجاد موازنه بر ضد این قدرت از سوی دیگر قدرت‌ها مشاهده نشد (عباسی و قیاسی، ۱۳۹۲).

^۱. Defensive Realism

^۲. The Theory of Balance of Power

^۳. Realists

این عدم تحقق موازنه علیه هژمون^۱ بالقوه در مورد ایالات متحده پس از جنگ سرد، یکی از متفکران مهم سنت واقع‌گرایی به نام استفان والت^۲ را به سوی جابه‌جایی نقطه تمرکز واقع‌گرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید^۳ سوق داد تا بدین وسیله گره کور نواقح‌گرایی^۴ گشوده شود. وی می‌گوید با این رهیافت می‌توان این مهم را توضیح داد که چرا موازنه ائتلاف^۵ در مقطع کنونی نیز علیه ایالات متحده صورت نمی‌گیرد (لیتل، ۱۳۸۹). در واقع، والت از جمله واقع‌گرایانی است که با طرح ایده‌های جدید و متفاوت از نظریه‌های سنتی واقع‌گرایی و حتی واقع‌گرایی ساختاری^۶ والتز^۷، سعی داشته تا پایه‌های این نظریه را مستحکم‌تر نماید. وی با نقد اصل موازنه قوا^۸ به وسیله طرح نظریه موازنه تهدید در عمل توانسته است، مباحث واقع‌گرایی را در حوزه امنیتی غنی‌تر نماید. نقطه محوری مباحث وی بررسی علت اتحادها و ائتلاف‌های نظامی - سیاسی^۹ با هدف ایجاد موازنه در واکنش به احساس تهدید است. به اعتقاد وی، برخلاف آنچه که فکر می‌شود کشورها در مقابل افزایش قدرت سایرین دست به موازنه می‌زنند در مقابل آنچه باعث حرکت کشورها به سوی توازن می‌گردد، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند. زمانی که تهدیدی احساس شد، کشورها یا سعی می‌کنند در مقابل آن توازن ایجاد کنند یا که به کشور تهدیدکننده ملحق شوند (ترابی، ۱۳۸۴).

استفان والت اظهار می‌دارد، زمانی که کشوری با انتخاب‌های متعدد برای اتخاذ مواجه می‌شد، محاسبه میزان ریسک و سطح تهدید به عنوان مهم‌ترین عامل در تصمیم‌گیری عمل می‌نماید و نه قدرت. برای مثال اگر کشوری، کشور دیگر را تهدیدی مستقیم برای بقای خود تلقی نماید، بدون در نظر گرفتن برتری قدرت نفوذ کشور هدف، تلاش خواهد کرد موازنه قدرت^{۱۰} ایجاد کند. از طرف دیگر، اگر کشوری، کشور دیگر را از هر جهت تهدید برای بقا خود تلقی نکند، نوعاً به سمت اتخاذ راهبرد^{۱۱} موازنه قدرت حرکت نخواهد کرد حتی، اگر کشور

^۱. Hegemon

^۲. Stephen Walt

^۳. Threat Balance

^۴. Neo Realism

^۵. The Coalition

^۶. Structural Realism

^۷. Waltz

^۸. Balance of Power

^۹. Military-Political Alliances

^{۱۰}. Balance of Power

^{۱۱}. Strategy

مورد گفتگو از برتری محسوس قدرت و نفوذ برخوردار باشد (سازمند و دیگران، ۱۳۸۹). بدین ترتیب موازنه تهدید^۱ نوعی از موازنه می‌باشد که معتقد است، ائتلاف در راستا موازنه در قبال تهدیدها شکل می‌گیرد و نه صرف قدرت. تهدیدهایی که می‌توان از قدرت^۲، مجاورت^۳، قابلیت‌های تهاجمی^۴ و نیات توسعه‌طلبانه تهاجمی^۵ نشأت بگیرد (لیتل، ۱۳۸۹).

بر این اساس، اگر دیدگاهی که کنت والتز مبنی بر اینکه کشورها بیش از آنکه در پی افزایش قدرت خود باشند به دنبال جلوگیری از افزایش قدرت دیگران و بالا بردن و حفظ جایگاه خود در نظام بین‌الملل هستند را مورد پذیرش قرار دهیم، ایجاد ائتلاف و اتحاد و همچنین موازنه در مقابل منشأ تهدید توسط کشورها را می‌توانیم یک راهبرد منطقی تلقی کنیم. ایجاد این‌گونه موازنه که به صورت ائتلاف و اتحاد نمایان می‌شود به دو شکل توسط کشورها ایجاد می‌شود؛ ۱- موازنه درون‌گرا^۶ به معنا افزایش قدرت داخلی خود کشورها، ۲- موازنه برون‌گرا^۷ که همان ائتلاف و اتحاد است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱). موازنه تهدید مورد توجه واقع‌گرایان تدافعی^۸ است. بنابراین نظریه‌پردازان آن ایجاد ائتلاف و اتحاد در مقابل هر گونه تهدید را به کشورها توصیه می‌کنند (هدایتی شهیدانی و مرادی کلارده، ۱۳۹۶).

نظریه واقع‌گرایی تدافعی که در چارچوب موازنه تهدید مطرح شده، امروزه در دستگاه سیاست خارجی روسیه نمایان شده است. چرا که روسیه نیز در دوره دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین با وجود تهدیدهایی که غرب به رهبری آمریکا در مناطق پیرامون مسکو ایجاد می‌کند در کنار تهدیدهایی که از نظر اقدامات تروریستی در مناطق مورد توجه روسیه از جمله قفقاز و آسیای مرکزی سیاست خارجی این کشور را تهدید می‌کند درصدد برآمد که راهبرد سیاست خارجی خود را برای تامین امنیت و منافع ملی خود در ابعاد مختلف در چارچوب سند امنیت ملی این کشور تنظیم کند. بدین منظور پوتین در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ در دوره دوم ریاست جمهوری خود برای روسیه یک استراتژی جدید امنیتی^۹ به

1. Threat Balance

2. The power

3. Proximity

4. Aggressive Capabilities

5. Aggressive Expansionist Intentions

6. Inner Balance

7. Outsourcing balance

8. Defensive realists

9. New security strategy

تصویب رساند. یک سال قبل از آن نیز در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۴، دکترین نظامی^۱ این کشور به تصویب رسید. این سند منافع روسیه در مناطق مختلف را نمایان می‌کند. با وجود اینکه برخی از کشورها از جمله آمریکا و اروپا این مسئله را یک تهدید علیه خود قلمداد می‌کند، اما مسکو در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین برای غلبه بر مسائل و مشکلات اقتصادی و تهدیدهای امنیتی در مناطق پیرامون این سند امنیتی را مورد تاکید قرار داده و سیاست خارجی خود را بر مبنای آن تنظیم کرد (Oliker, 2016).

مهم‌ترین اهدافی که روسیه در این سند در صدد دستیابی به آن می‌باشد، افزایش اعتبار و بازگشت به قدرت اتحاد جماهیر شوروی می‌باشد. همان‌گونه که مطرح شد، سند مذکور باعث رقابت و افزایش تنش با قدرت‌های رقیب از جمله آمریکا و اروپا در مناطق مورد نفوذ خود می‌شود و یا به عبارت دیگر مهم‌ترین و مطرح‌ترین مسئله‌ای که رهبران کرملین در این سند به دنبال آن هستند، «افزایش اعتبار بین‌المللی فدراسیون روسیه در قالب رقابت و همکاری^۲» است. دولتمردان روسیه هدف مذکور را در ابعاد مختلف از جمله اقتصادی-سیاسی-امنیتی و محیط زیستی از طریق همکاری و رقابت دنبال می‌کنند. در عین حال نکته قابل توجه این است که سند امنیت ملی روسیه مربوط به مناطق پیرامون، زیرمجموعه‌های امنیتی-سیاسی روسیه^۳ است و مهم‌ترین آنها امنیت ملی، کیفیت زندگی شهروندان روسی، رشد اقتصادی، علم و فناوری، محیط زیست، فرهنگ را شامل می‌شود. از طرفی، مهم‌ترین موضوعی که روسیه در این سند به دنبال آن است، بحث مربوط به «ارزش»^۴ است. بدین معنا که آنها در صدد می‌باشند که خود را به عنوان یک ابر قدرت مجدداً متولد و معرفی کنند. به همین منظور از طریق حفاظت از ارزش‌های خارجی از طریق گردهمایی‌های اطلاعاتی^۵ و کنترل تهدیدهایی که از آمریکا، ناتو و نیروهای افراطی در مناطق پیرامون متوجه آنها در مناطق پیرامون می‌شود در تلاش هستند که به این مهم دست یابند (Oliker, 2016).

البته هرگونه تهدید توسط کشورهای غربی و سایر مسائل و مشکلات امنیتی توسط نیروهای تروریستی در مناطق مورد نفوذ روسیه خوشایند دولتمردان کرملین در ادوار مختلف

¹. Military doctrine

². Increasing the International Credit of the Russian Federation in the form of Competition and Cooperation

³. Russian Security-Political Sub-Collections

⁴. Value

⁵. Information Campaigns

نبوده است و اواسیاگراها^۱ به رهبری پوتین به این مسئله با طرح آن در سند امنیت ملی^۲ به عنوان یک تهدید واکنش نشان دادند (Savranskaya & Blanton, 2017) و باعث تغییر در اتخاذ راهبرد برای سیاست خارجی روسیه شدند؛ چرا که به اعتقاد چالز هرمان^۳ چند مسئله باعث تغییر در رفتار کشورها در سیاست خارجی آنها می‌شود. مهم‌ترین این مسائل شوک‌های خارجی^۴ ناشی از تهدیدهای مختلف و تنش‌های متعدد با رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بازسازی داخلی در حوزه سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است. رویدادهای بین‌المللی که باعث نگرانی و تهدید منافع کشورها می‌شود نیز باعث تغییر در رفتار کشورها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود. لذا آنچه باعث تغییر رویکرد روسیه در دوره دوم پوتین شد، رویدادهای بین‌المللی مورد نظر هرمان می‌باشد؛ زیرا روسیه با توجه به رویدادهایی که در سطح بین‌المللی از جمله بحران‌های اوکراین و سوریه رخ داد در صدد برآمد که در درجه نخست، امنیت ملی کشور خود و مناطق مورد نفوذ خود یعنی قفقاز و آسیای مرکزی را تامین کند. این موضوع در سند امنیت ملی روسیه که به دنبال ایجاد یک موقعیت ابرقدرت برای روسیه است به وضوح ذکر شد. در کنار این موضوع در این سند منافع روسیه در مناطقی همچون آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان حیات خلوت و خارج نزدیک، تعریف شده و چشم‌پوشی از آنها برای دولتمردان این کشور غیرممکن است (Baldoni, 2016). روسیه برای رسیدن به منافع تعریف شده در سند ملی خود در آسیای مرکزی در کنار چین به دنبال گسترش نفوذ خود می‌باشد (Ward, 2017). با توجه به اتخاذ راهبرد سیاستمداران مسکو طبق سند امنیت ملی، هرچند که روسیه به عنوان بازیگر اصلی و قدرتمند در آسیای مرکزی باقی مانده است؛ اما موقعیت آن به عنوان تضمین‌کننده وضع موجود در آسیای مرکزی با دخالت بیشتر بازیگران خارجی و سایر تهدیدها و تنش‌های این کشور با رقبای خود در آسیای مرکزی امکان دارد با خطر جدی مواجه و موقعیت آن تضعیف شود.

¹. Ovacaries

². National Security Document

³. Chalce Herman

⁴. External Shocks

چالش‌های سیاست خارجی روسیه

تهدیدهای تروریستی در آسیای مرکزی

تهدیدهای تروریستی در آسیای مرکزی به دنبال پیروزی‌های مسکو در بحران‌های اخیر خاورمیانه به ویژه بحران سوریه بیش از هر برهه زمانی دیگری، می‌تواند منافع مسکو را با خطر مواجه کند (Chance, 2016). چرا که بسیاری از این کشورها که مسکو آنها را به عنوان خارج نزدیک می‌خواند، دارای بنیه اقتصادی ضعیف و به دنبال آن از آمار بیکاری چشم‌گیری برخوردار هستند. نظام حاکم بر این کشورها توانایی لازم برای مبارزه با افرادی را که به داعش یا القاعده پیوستند را ندارند و این مسئله باعث می‌شود تا افراد زیادی از این کشورها به دلیل فقر فرهنگی به گروه‌های افراط‌گرای مذهبی ملحق شوند. برای نمونه جنبش اسلامی ازبکستان^۱ به عنوان یک گروه افراطی مذهبی در آسیای مرکزی مشغول فعالیت است. این گروه که به «حزب اسلامی ترکستان»^۲ نیز معروف است به یک گروه وابسته به القاعده تبدیل شده و نیروهای آن با داعش بیعت کرده‌اند. حزب اسلامی ترکستان هدف خود را اجرای شریعت در سراسر آسیای مرکزی اعلام کرده و فعالیت خود را با هدف اجرای شریعت در قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان گسترش داده است (Perier, 2017). این مسئله در کنار واکنش شدید این کشورها برای اجرای اهداف گروه‌های افراطی باعث شد که این گروه‌ها و اعضای آن به سایر مناطق مهاجرت کنند و به گروه‌های تروریستی خطرناک‌تری بپیوندند که نمونه آن گروه‌های تروریستی فعال در سوریه، عراق و نیز پاکستان هستند. گروه‌های تروریستی مجاهدین خلق^۳ و مجاهدین^۴ در پاکستان که به طور عمده از افراطی‌های آسیای مرکزی^۵ تشکیل شده‌اند، اکنون در کنار طالبان در صدد مبارزه با نیروهای امنیتی این کشور و رژیم‌های اقتدارگرای آسیای مرکزی هستند (lang, 2017).

با توجه به عضوگیری داعش از کشورهای قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، نیروهایی که عموماً جز گروه‌های جدایی‌طلب روسیه^۶ یا چچن^۷ هستند نیز به این گروه پیوستند و اغلب

^۱ Islamic Movement of Uzbekistan (IMU)

^۲ Turkestan Islamic Party

^۳ Mujahedin-e Khalq

^۴ MKO

^۵ Central Asian extremists

^۶ Russian Separatist Groups

^۷ Chechnya

در این گروه تروریستی جزء سرکرده‌های آنها به شمار می‌روند. نمونه بارز آن "ترخان"^۱ معروف به عمر چچنی^۲ است. بازگشت این افراد که در خلال بحران‌های سوریه و عراق تجربه‌های فراوانی در زمینه عملیات‌های تروریستی و چریکی^۳ کسب کرده‌اند به موطن خویش، مشکلات مختلفی را برای روسیه و مرزهای آن در پی داشته و همچنین امنیت جمهوری‌های منطقه را با خطری جدی مواجه می‌کند (Shuster, 2016). نمونه این موضوع مشکلات نیروهای تروریستی تکفیری در افغانستان برای روسیه است. از آنجا که روند بحران‌های امنیتی در افغانستان ناشی از اسلام‌گرایی افراطی طی سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است لذا روسیه در تلاش است که از تصاعد این بحران‌ها به محیط منطقه‌ای و داخلی خویش جلوگیری کند. مسکو برای تحقق برنامه‌های تعریف شده سیاست خارجی خود در افغانستان، نشست چندجانبه‌ای متشکل از ایران، چین، هند و با همراهی آمریکا برگزار نمود. آمریکا این اقدام مسکو را نقشه‌ای برای کاهش نفوذ و نقش ناتو در افغانستان تلقی نموده و از شرکت در آن خودداری نمود. در مقابل، زیمر کابلوف^۴ نماینده ویژه کرملین در افغانستان بیان داشت که "اتهامات وارده بر دستگاه سیاست خارجی روسیه، توجیهی است که واشنگتن برای شکست نظامیان و سیاستمداران خود در مبارزات انتخاباتی مطرح کرده و هیچ‌گونه توجیه دیگری نمی‌تواند داشته باشد" (Saine & Gul, 2017).

حساسیت مسکو در مورد توسعه تروریسم در آسیای مرکزی، بیش از همه از تاثیرات مناطق پیرامونی آسیای مرکزی مانند خاورمیانه بر گروه‌های افراطی این منطقه ناشی می‌شود که تهدیدهای امنیتی متعددی را برای مسکو به همراه داشته است. به عبارتی به دلیل اقدامات عملیاتی روسیه علیه این گروه‌ها در سوریه، آنها نیز در صدد برآمده‌اند تا حملات خود را علیه منافع روسیه در مناطق مختلف^۵ توسعه دهند. از جمله این مناطق، آسیای مرکزی است که هم از ظرفیت لازم برای اقدامات تروریستی برخوردار است و هم بستر مناسبی برای تهدید منافع روسیه در آن فراهم است. در این مورد نیروهای داعش اعلام کردند که تاکنون ۱۳ حمله تروریستی به مناطق مورد

¹. Tarkhan

². OmarChechnya

³. Terrorist and guerrilla operations

⁴. Zimmer Kablof

توجه روسیه به وسیله متحدان این گروه^۱ در آسیای مرکزی انجام شده است. این حملات به طور عمده از سوی سازمان اتحاد جهاد اسلامی^۲ که وزیرستان^۳ را به عنوان مقرر خود انتخاب کرده و نیروهای آن با داعش بیعت کرده بودند، انجام شده است (Youngman & Moore, 2017).

حملات تروریستی در آسیای مرکزی از سوی مقامات کشورهای این منطقه نیز مورد اشاره قرار گرفته است. برای نمونه امام علی رحمان^۴، رئیس جمهور تاجیکستان بیان داشت که نیروهای زیادی از کشورهای آسیای مرکزی در حمایت از گروه تروریستی داعش در مناطق مختلف کشته شده‌اند. این بدان معناست که تهدیدهای تروریستی در آسیای مرکزی به بلوغ رسیده و برای هر کدام از این کشورها و مسکو که خود را میراث‌دار آنها می‌دانند، خطرناک می‌باشند. در عین حال، برخی از کارشناسان تقویت این تهدیدهای تروریستی در آسیای مرکزی را نتیجه فعالیت و استراتژی برخی از کشورهای صاحب منافع در این منطقه مانند ترکیه و قطر می‌دانند. به طور مشخص، قطر سعی دارد از ایجاد و احداث خط لوله گاز به ارمنستان و پاکستان جلوگیری کند. ترکیه نیز در صدد است تا این خط لوله جدید را تهدید برای خط لوله گازی ترکیه به اروپا و غرب نشان دهد. با فعالیت و تقویت این گروه‌های افراطی در آسیای مرکزی، ایجاد خطوط لوله برای انتقال انرژی غیرممکن به نظر می‌رسد (Mohammadov & Ashrafi, 2017). در کنار این فعالیت ترکیه و قطر، روسیه نیز برای دستیابی به اهداف خود یعنی محدود کردن فعالیت نیروهای تروریستی در منطقه، همکاری‌های خود را با چین گسترش داده است. از آنجا که روسیه به تنهایی نمی‌تواند چالش‌های امنیتی را کنترل کند، همکاری کشورهای فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی باعث می‌شود تا جمهوری‌های این منطقه نیز برای مبارزه با نیروهای تروریستی در کنار روسیه قرار گیرند (Koshkin, 2016).

در بعد دیگر، نیروهای تروریستی باعث شده‌اند که امنیت انتقال انرژی در آسیای مرکزی با خطرات جدی روبه‌رو شود. از آنجا که مسکو در این منطقه در صدد است انحصار

۱. اقدامات تروریستی سوم آوریل به مترو سنت پترزبورگ، حمله در منطقه آستاراخان، حملات در شهر داغانف و حملات به پایتخت چین از جمله مهم‌ترین حملات به روسیه از سوی داعش است که توسط هم‌پیمانان آن در آسیای مرکزی انجام گرفت.

۲. Islamic Jihad Organization

۳. Waziristan

۴. Imam Ali Rahman

انتقال انرژی^۱ را به وسیله اهرم حمل و نقل خود در اختیار داشته باشد و به دلیل وجود خطوط لوله‌ایی که روسیه برای انتقال انرژی به بازارهای خارجی از جمله خط لوله بخارا - اورال^۲ که در این منطقه احداث کرده است، تهدیدهای تروریستی باعث ناامن شدن مسیر خطوط لوله انتقال انرژی مذکور شده است (Aminjonov, 2017). در چنین محیط سیالی، روسیه بیشترین سطح روابط سیاسی - اقتصادی، همکاری‌های امنیتی و بیشترین سرمایه‌گذاری در طرح‌های کشورهای منطقه را به خود اختصاص داده است. در عین حال وابستگی و اتصال ژئوپلیتیک منطقه به روسیه بر کسی پوشیده نیست و چشم‌پوشی از آن برای روسیه امکان‌پذیر نخواهد بود (مرادی و خیری، ۱۳۹۵).

نگرانی عمده امنیتی روسیه در این منطقه، نوار جنوبی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع یعنی از شرق آسیای مرکزی تا غرب قفقاز است. این منطقه به عنوان آخرین خط دفاعی علیه افراطی‌گرایی، محل انواع نزاع‌های قومی، مذهبی و سیاسی است. با وجود اینکه این جغرافیا در معرض تهدید فوری گسترش ناتو (همچون گرجستان و اوکراین) نیست، اما خطر اصلی امنیتی برای روسیه، رشد اسلام‌گرایی افراطی است. مایکل ریوکی^۳، معتقد است روشی که روسیه در این منطقه برای دفع این تهدید در پیش گرفته است، حمایت از دولت‌های اقتدارگرا برای مقابله با اسلام‌گرایان رادیکال است (Rywkin, 2015). بنابراین، ضرورت ایجاد یک منطقه امن برای مسکو در آسیای مرکزی و ریشه‌کن کردن تروریست‌های تکفیری و اسلام‌گرای افراطی در این منطقه و مرزهای دیگر مسکو از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی این کشور قلمداد می‌شود (Kaddorah, 2014).

گسترش ناتو به شرق و استراتژی مسکو

روابط ناتو و روسیه یکی از متغیرهای تعیین‌کننده امنیت بین‌الملل در دهه‌های اخیر بوده است. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیمان ورشو^۴، ناتو نه تنها فرو نپاشید، بلکه با شتاب و قدرت بیشتری روند گسترش خود را به پیش برد. طبیعتاً این امر مقبول روسیه نبود. چنانکه

¹ Monopoly of Energy Transfer

² Bukhara-Ural

³ Michael Rickin

⁴ Warsaw Treaty

گورباچف^۱ در مصاحبه‌ای گفته بود، "من از بوش پدر یک موافقت محترمانه گرفته بودم که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نباید با گسترش ناتو همراه باشد". جرج کنان^۲، معمار راهبرد مهار^۳ در سیاست خارجی آمریکا نیز در سال ۱۹۹۷ هشدار داده بود که "گسترش ناتو بزرگ‌ترین اشتباه ناتو بوده است. این قبیل تصمیمات ممکن است، سیاست خارجی روسیه را وادار به حرکت در مسیرهایی کند که مطلوب ما نیست" (Crossa, 2015). امروزه این مسئله مورد نظر جرج کنان به وضوح قابل مشاهده است. پیوستن شبه جزیره کریمه^۴ به روسیه و تهاجم روسیه به شرق اوکراین، اتحاد و همبستگی بیشتر ناتو و اعضای آن برای مهار روسیه را به همراه داشته و بعد از مدتی مرزهای شرقی خود را با استفاده از نیروهای نظامی تقویت کرد (Dempsey, 2017). ناتو و متحدان آن از ابتدای تاسیس تاکنون نگران تقویت و توسعه نفوذ روسیه در سایر جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی بوده‌اند. لذا آسیای مرکزی مهم‌ترین منطقه مورد توجه ناتو بوده است. این جمهوری‌ها برای مسکو نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار و دولتمردان این کشور در صدد پیوستن و همکاری با آنها در ابعاد مختلف هستند تا از نفوذ رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود از جمله ناتو و آمریکا در این منطقه جلوگیری کنند (Amadeo, 2017).

برای رسیدن به این هدف، مسکو در تلاش است تا زیرساخت‌های مهم انرژی کشورهای آسیای مرکزی را خریداری کرده و از اقدامات مستقل این کشورها در جهت فروش و عرضه انرژی و همکاری آنها با غرب که باعث گسترش ناتو به آسیای مرکزی می‌شود، جلوگیری کند؛ زیرا بسیاری از این کشورها به دلیل داشتن منابع عظیم انرژی همچون نفت و گاز همواره مورد توجه کشورهای رقیب مسکو از جمله آمریکا و اتحادیه اروپا قرار دارند و روسیه بیم آن را دارد که این کشورها که با انعقاد قرارداد جداگانه با غرب از طریق گسترش نفوذ آنها در این منطقه در راستا سیاست خارجی و نفوذ آنها قرار گیرد (Zaslavskiy, 2017). این مسئله در دوره ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین با جدیت بیشتری دنبال شد چرا که روی کار آمدن پوتین که با رشد اقتصاد روسیه، تحت تاثیر افزایش بهای نفت و گاز همراه شد، علاوه بر سیاست‌های مرکزگرای دولت پوتین که تا حدود زیادی نظم را به این کشور

¹. Gorbachev

². George Kenan

³. Containment Policy

⁴. Crimea

بازگرداند، تصویر متفاوتی را از روسیه تحقیر شده به جهان نشان داد. پوتین پس از سامان دادن به شرایط داخلی، روسیه را به عنوان قدرتی مطرح کرد که به دنبال بازپس گرفتن اعتبار از دست رفته می‌باشد. پس از بهبود نسبی شرایط اقتصادی و سیاسی در روسیه، پوتین در دور دوم ریاست جمهوری خود این فرصت را یافت که بازسازی اقتدار روسیه در خارج از کشور و در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستور کار خود قرار دهد؛ چرا که ناتو بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در تلاش است که از قدرت‌گیری و احیای مجدد آن جلوگیری کند. از ابزارهای مهم ناتو برای این مهم، اعمال نفوذ در کشورهای استقلال‌یافته و ایجاد واگرایی آنها با روسیه است. زیرا اگر روسیه بتواند با جمهوری‌هایی که از آن جدا شده همکاری و نفوذ خود را گسترش دهد به قدرت بین‌المللی تبدیل شده و گام مهمی را برای رسیدن به احیای قدرت سابق خود برداشته است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۵). در مقابل این اهرم فشار غرب، روسیه با داشتن یک‌پنجم ذخایر گاز جهان، بیشتر گاز اوکراین و همچنین ۳۰ درصد گاز اتحادیه اروپا را تامین می‌کند. در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ روسیه از این ابزار برای فشار بر همسایه‌های خود برای جلوگیری از نفوذ ناتو استفاده می‌کرد (Henley, 2014).

به اعتقاد پوتین، ناتو با گسترش فعالیت‌های خود به سمت شرق باعث افزایش تنش بین روسیه و اروپا شده و این مسئله در کنار نادیده انگاشتن منافع و مسائل امنیتی روسیه در آسیای مرکزی باعث نارضایتی مسکو از نظام بین‌الملل شده است. انتقادات روسیه از گسترش ناتو و فعالیت آن به سمت شرق و بحران اوکراین باعث فشار مسکو مبنی بر قطع صدور گاز به اروپا و تحریم‌های غربی علیه مسکو شده است (Oliphant, 2016). تهدیدهای ناتو برای روسیه در آسیای مرکزی به این مسائل ختم نمی‌شود؛ مسکو یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری و اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی است و دولتمردان کرملین در تلاش هستند، پایگاه‌های نظامی خود را نیز در این منطقه تقویت کنند تا از این طریق موقعیت نظامی خود را که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در مقابل ناتو و آمریکا تضعیف شده بود، احیاء کنند (Mussin, 2017).

اقدام روسیه برای جلوگیری از گسترش ناتو به سمت شرق، باعث واکنش مقامات نظامی این سازمان شد. ژنرال پترپاول^۱ بیان داشت، "تهدید روسیه در تمام مناطق از جمله آسیای

^۱. General Petpavel

مرکزی رو به گسترش است؛ در حالی که نیت نظامی آن مشخص نیست.^۱ این مسئله باعث شد اعضای ناتو در صدد گسترش نیروهای نظامی خود در نقاط مختلف به منظور جلوگیری از تهدید روسیه باشند و با استفاده از سازمان‌ها و سیستم‌های تبلیغاتی متحدین مسکو را ترغیب به همکاری کنند. یکی از این بازارهای مورد استفاده ناتو مبارزه با تروریسم می‌باشد (Herszenho.M, 2017). بنابراین از آنجا که کشورهای آسیای مرکزی در معرض اقدامات نیروهای تروریستی هستند، ناتو در صدد است تا این کشورها که مسکو از آنها به عنوان حیات خلوت خود یاد می‌کند را به خود جذب کند و این مسئله تهدیدی مهم برای مسکو تلقی می‌شود؛ زیرا کاهش نفوذ روسیه در این منطقه و سایر مناطق از جمله اروپای شرقی مورد توجه ناتو می‌باشد. از طرفی، بعد از بحران اوکراین و جنگ گرجستان و روسیه، ناتو و متحدان آن بر آن شدند که از تهدید روسیه جلوگیری کنند. ژنرال جان دانفورد^۱، یکی از مقامات ارشد نیروی دریایی آمریکا در این مورد بیان داشت که "اکنون بزرگترین تهدید امنیتی اروپا و مناطق مورد نفوذ ناتو، روسیه می‌باشد". ناتو بعد از این تنش‌ها از طرق مختلف از جمله عملیات‌های اطلاعاتی^۲، سایبری^۳، نفوذ سیاسی در مناطق حساس از جمله آسیای مرکزی که مورد توجه مسکو است و نیز اقدامات اقتصادی در صدد هستند که از نفوذ روسیه و قدرت‌گیری مجدد آن جلوگیری کنند (Sharov, 2018).

به عبارت دیگر ناتو در مقابل روسیه از استراتژی «بازدارندگی»^۴ استفاده می‌کند (Hammerstein, 2017). مسئله‌ای که باعث شده است تا امروز گسترش ناتو به آسیای مرکزی و یا به شرق یک تهدید همه‌جانبه با توجه به استراتژی‌های این سازمان برای روسیه باشد. به همین خاطر روسیه رویکردی واقع‌گرایانه^۵ برای سیاست خارجی خود در آسیای مرکزی اتخاذ کرده و به دنبال اهدافی جهت ثبات منطقه و تامین منافع ملی است. مهم‌ترین اهدافی که روسیه در این منطقه با ایجاد اتحاد و سازمان‌های منطقه‌ای مختلف در صدد دستیابی به آنها است عبارت هستند از؛ ۱. تلاش برای حفظ و تقویت پایگاه‌های نظامی موجود در منطقه با هماهنگی با کشورهای این منطقه؛ ۲. تلاش برای جلوگیری از گسترش

¹. Gen. John Dunford

². Intelligence Operations

³. Cyber

⁴. The Strategy of Deterrence

⁵. Realistic Approach

نفوذ و حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در منطقه مانند آمریکا؛^۳ بهره‌گیری از تنش‌ها و بحران‌های موجود منطقه برای ایجاد توازن در میان کشورهای منطقه؛^۴ ایجاد ترتیبات امنیتی مناسب در منطقه، متناسب با تأمین حداکثر منافع روسیه؛^۵ مدیریت بحران‌های منطقه و جلوگیری از بهره‌گیری سایر بازیگران از این بحران‌ها برای نفوذ و تهدید منافع روسیه در منطقه؛^۶ جلوگیری از تغییر مرزهای سیاسی برخلاف منافع روسیه؛^۷ تلاش برای تضعیف محورهای مخالف روسیه از راه گسترش مناسبات با کشورهای منطقه و همکاری با بازیگرانی که تقویت‌کننده مواضع روسیه هستند (رنجکش و لطیفیان، ۱۳۹۴).

در رابطه با همکاری‌های امنیتی روسیه با منطقه آسیای مرکزی، مسکو به دنبال دو هدف استراتژیک است. نخست، متحد کردن جمهوری‌های آسیای مرکزی و تبدیل آنها به متحدان نزدیک روسیه و دوم، تأمین امنیت منطقه آسیای مرکزی. بنیادگرایی اسلامی^۱ و حضور قدرت‌های خارجی از جمله ناتو می‌تواند، منافع و امنیت ملی روس‌ها را در منطقه به چالش بکشد (Aron, 2016). این تهدید با برنامه‌های روسیه برای بازگشت به قدرت سابق خود در زمان اتحاد جماهیر شوروی در تعارض کامل می‌باشد زیرا در دسامبر ۲۰۱۵ کرملین سند استراتژی امنیت ملی جدید روسیه را منتشر نمود که جایگزین سند سال ۲۰۰۹ بود. در این سند ضمن تأکید بر اعتبار روسیه، تبدیل روسیه به یکی از قدرت‌های برتر عرصه بین‌المللی در راستای منافع بنیادین^۲ و درازمدت روسیه ترسیم شده است (Oliker, 2016). در این سند همچنین ناتو و نفوذ آن در آسیای مرکزی به عنوان منشا تهدید معرفی شده است. به همین دلیل رهبران کرملین^۳ در پی کسب نفوذ انحصاری^۴ در منطقه خارج نزدیک می‌باشند زیرا کرملین کسب نفوذ در حوزه اوراسیا و همکاری همه‌جانبه با این کشورها به ویژه در بعد امنیتی و نظامی را لازمه بازیگری در عرصه بین‌المللی می‌داند. روسیه مهم‌ترین بازیگر امنیتی در منطقه می‌باشد. این موضوع ناشی از روابط نظامی دوجانبه کرملین^۵ با کشورهای منطقه است و سازمان‌های منطقه‌ای^۶ نظیر سازمان همکاری شانگهای^۷ و سازمان پیمان امنیت

¹ Islamic Fundamentalism

² Fundamental Interests

³ The Kremlin

⁴ Exclusive Influence

⁵ Kremlin's Bilateral Military Relations

⁶ Regional Organizations

⁷ Shanghai Cooperation Organization

دسته‌جمعی^۱ در مرحله بعدی اهمیت قرار دارند (Oliphant, 2016). لذا گسترش سازمان‌های همکاری‌جویانه^۲ در این منطقه به دنبال رسیدن به منافع مطرح شده می‌باشد. چرا که با پیوستن این جمهوری‌ها به سازمان‌ها مذکور میزان تاثیرپذیری آنها از غرب و ناتو به حداقل ممکن می‌رسد.

یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و استراتژی مسکو

هدف استراتژیک آمریکا به عنوان قدرت هژمون^۳ اشاعه و رواج نظم مورد نظر خود در سطح جهان و یکپارچه کردن جهان^۴ در چارچوب ارزش‌ها و الگوهای سیاسی و اقتصادی غربی در نتیجه تامین منافع خود به شکل ساختاری و نهادینه می‌باشد. روسیه نیز که از جایگاه تنزل‌یافته خود از یک ابرقدرت به یک قدرت بزرگ راضی نیست، بازگشت مجدد به عنوان ابرقدرت را هدف استراتژیک بلندمدت^۵ خود قرار داده است. ولی از آنجا که این هدف در کوتاه‌مدت قابل تحصیل نیست بنابراین به دنبال حفظ ساختار فعلی و تلاش برای عدم تنزل از جایگاه خود با استفاده از راه‌کار واقع‌گرایانه تهاجمی^۶ در سیاست خارجی است (فلاحی و عامری، ۱۳۹۵).

به دنبال رسیدن به این مهم، مسکو به ویژه در حوزه ادغام فراملیتی در صدد گسترش نقش و نفوذ خود به نسب رقبای غربی است و از این طریق توانسته است نفوذ نظامی و فرهنگی خود را در این منطقه به نحو چشم‌گیری گسترش دهد زیرا کشورهای آسیای مرکزی به‌رغم تلاش‌های واشنگتن برای ادغام آنها در سیستم‌های مورد نظر خود، دیگر به این کشور به عنوان یک حامی نمی‌نگرند (Huasheng, 2017).

در عین حال، علایق و منافع آمریکا در آسیای مرکزی را می‌توان چنین برشمرد؛ ۱. تضعیف وابستگی کشورهای منطقه به روسیه از راه ارائه کمک‌های اقتصادی و تسهیلات تجاری^۷؛ ۲. تقویت مسیرهای راه‌روی حمل و نقل شرقی-غربی (تراسیکا^۸) به جای مسیر

¹. Collective Security Treaty Organization

². Cooperative Organizations

³. Power of Hegemony

⁴. Integrate the World

⁵. Long Term Strategic Goal

⁶. Aggressive Realism

⁷. Economic Assistance and Commercial Facilities

⁸. Terrace

شمالی - جنوبی با هدف قطع وابستگی به روسیه و کاهش نفوذ این کشور در منطقه؛^۳ بهبود فرصت تجاری برای شرکت‌های آمریکایی؛^۴ کنترل منابع انرژی منطقه با هدف تأمین سیاست‌های انرژی آمریکا در سطح کلان، شامل تعدیل قیمت‌های جهانی^۱ از راه استخراج مداوم نفت و گاز منطقه، تأمین امنیت خط لوله، ترویج امنیت انرژی آمریکا و اروپا از راه تأمین‌کنندگان متنوع و مسیرها و خطوط لوله صادرات؛^۵ به دست آوردن بازارهای مصرف منطقه؛^۶ تلاش برای همگرایی کشورهای منطقه با غرب (رنجکش و لطیفیان، ۱۳۹۴). آسیای مرکزی از جمله مهم‌ترین مناطقی است که در نظام جدید بین‌الملل با خلاء قدرت^۲ مواجه گردید و فدراسیون روسیه به عنوان میراث‌دار اصلی اتحاد جماهیر شوروی از یک سو و مجموعه جهان غرب از سوی دیگر تلاش کردند با اتخاذ شیوه‌های گوناگون از این شرایط به نفع خود بهره ببرند. تشکیل و تقویت سازمان‌های منطقه‌ای از مهم‌ترین رویکردهای دو طرف برای همسو نمودن کشورهای آسیای مرکزی با اهداف، منافع و سیاست‌های خود به شمار می‌رود.

در بعد اقتصادی که یکی از علایق همیشگی واشنگتن در آسیای مرکزی بوده است، راهبرد محور آسیا^۳ شامل تقویت همکاری ترانس‌پاسیفیک^۴ که از سال ۲۰۱۲ گسترش و در راستای ارائه راه‌کار بازار آزاد^۵ در مقابل الگوی چینی سرمایه‌داری دولتی طراحی شده است. ایالات متحده با پیشبرد پیمان تجارت آزاد^۶ امیدوار است که از یک سو رفاه را در منطقه آسیا افزایش دهد و از سوی دیگر، کشورهای آسیایی را به خود نزدیک‌تر سازد. واشنگتن با دیگر نهادهای چندجانبه نیز همچون اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا^۷ (آسه آن) و سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا اقیانوسیه^۸ (آپک) همکاری می‌کند تا بیشتر این منطقه را در حوزه اقتصادی آمریکا درگیر کند. آمریکا به آسیا توجه زیادی دارد؛ به شکلی که باراک اوباما از آغاز ریاست جمهوری حداقل سالی یک بار از منطقه دیدار و دیپلمات‌ها و

¹ Global Price Adjustment

² Power Vacuum

³ Asia-Centered Strategy

⁴ Trans-Pacific

⁵ Free Market

⁶ Free Trade Agreement

⁷ Union of Southeast Asian Nations

⁸ The Asia-Pacific Economic Cooperation Organization

سفارت‌خانه‌های آمریکا در سرتاسر منطقه پس از یک دوره طولانی رکود فعالیت‌های خود را به شکل چشم‌گیری افزایش داده‌اند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵).

نمونه دیگر از فعالیت آمریکا برای جذب کشورهای آسیای مرکزی می‌توان به بازدید جان کری^۱، وزیر امور خارجه پیشین این کشور در ۳۰ اکتبر تا ۳ نوامبر ۲۰۱۵ اشاره کرد. کری در این سفر با وزرای خارجه پنج کشور آسیای مرکزی به منظور تقویت همکاری‌های همه‌جانبه^۲ دیدار کرد. از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که در این نشست مورد بررسی قرار گرفت، عبارت بودند از؛ ۱. همکاری برای جلوگیری از تهدیدها و چالش‌های فرامرزی^۳ (تروریسم^۴، قاچاق سلاح کشتار جمعی^۵، مواد مخدر^۶ و...)، ۲. ارائه و همکاری با افغانستان برای بهبود شرایط فعلی و شناخت آن به عنوان یک عامل مهم در امنیت و ثبات منطقه^۷. ۳. همکاری در حوزه‌های بشردوستانه^۸ (Aleksenkova, 2017).

لذا در این چارچوب بود که آمریکا برای خود از نقطه نظرهای مختلف از جمله بعد اقتصادی در آسیای مرکزی در بخش منابع طبیعی و منابع هیدروکربوری به عنوان جایگزین منابع هیدروکربوری خاورمیانه ارزش قائل شد. بنابراین برای ایالات متحده در این منطقه تاکید اصلی بر کشورهای حوزه دریای خزر، یعنی قزاقستان و ترکمنستان است. آمریکا بیش از هر چیز تمایل به ایجاد مرکز لجستیک^۹ برای نیروهای نظامی خود در افغانستان دارد. بدین ترتیب آسیای مرکزی را به دو بخش تقسیم می‌کند؛ ۱. مسیر قزاقستان از طریق دریای خزر به اروپا؛ ۲. بقیه کشورهای آسیای مرکزی از مسیر افغانستان و آسیای جنوبی (عسگریان، ۱۳۹۵) که در هر دو بخش، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های سیاسی ویژه‌ای را برای حمایت از کشورهای آسیای مرکزی انجام داده است؛ زیرا همانگونه که مطرح شد، واشنگتن به دنبال منبع انرژی جایگزین می‌باشد. در عین حال در این زمینه سرمایه‌گذاری‌های زیادی را به منظور توسعه خطوط لوله انتقال انرژی در جهت انتقال به

^۱. John Kerry

^۲. Strengthening All-inclusive Cooperation

^۳. Threats and Transboundary Challenges

^۴. Terrorism

^۵. Trafficking in Weapons of Mass Destruction

^۶. Drugs

^۷. An important Factor in the Security and Stability of the Region

^۸. Cooperation in Humanitarian Fields

^۹. Logistics Center

بازارهای جهانی انجام داده است. اما این هژمونی‌طلبی آمریکا^۱ و یک‌جانبه‌گرایی^۲ آن در آسیای مرکزی امروزه به نحو چشم‌گیری کاهش یافته و دارای یک نقش منطقه‌ای در منطقه مذکور می‌باشد (Tsereteli, 2017).

اقدامات و برنامه‌های آمریکا صرفاً به منظور تامین انرژی خود و به مسائل ذکر شده ختم نشد زیرا فعالیت واشنگتن در مسائلی مانند مبارزه با تروریسم در افغانستان به نحو چشم‌گیری از سر گرفته شده است و برای بهبود عملکرد خود در این زمینه با جمهوری‌های این منطقه همکاری خود را توسعه داده است. ازبکستان از جمله مهم‌ترین کشورهای می‌باشد که در زمینه مبارزه با تروریسم و بهبود و ثبات افغانستان با واشنگتن همکاری می‌کند. سایر کشورها از جمله قرقیزستان میزبانی پایگاه هوایی مناس^۳ را بر عهده داشت. لذا برای تقویت جایگاه خود در آسیای مرکزی جدا از اقدامات مذکور در سال ۲۰۱۱ در منطقه شروع به احداث جاده ابریشم^۴ کرده است (Alekseenkova, 2017).

در این چارچوب، واکنش روسیه در مقابل این اقدام آمریکا طبیعی به نظر می‌رسد. یکی از مهم‌ترین استراتژی‌هایی که مسکو برای تقویت جایگاه خود در آسیای مرکزی مورد توجه قرار داد، تاسیس «اتحادیه اقتصادی اوراسیایی»^۵ بود. در واقع در همین قالب است که روسیه در پی وحدت‌بخشی به منطقه آسیای مرکزی در جهت منافع خویش است. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، همگرایی منطقه‌ای یکی از منافع راهبردی روسیه در سیاست خارجی بوده که به صورت جدی از سال ۲۰۰۹ و با شروع شکل‌گیری ساختارهای یک اجتماع منطقه‌ای آغاز شده است. از نگاه مسکو، همگرایی منطقه‌ای برای مقابله با نفوذ اقتصادی نیروهای سوم و نفوذ غرب به رهبری آمریکا در حیات خلوت مسکو در منطقه و همچنین جلوگیری از سست شدن پیوندهای میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و روسیه است.

همگرایی منطقه‌ای باید نفوذ قدرتمند سیاسی و اقتصادی روسیه در منطقه به خصوص در زمینه انرژی را تضمین نماید. روسیه با موفقیت در این فرآیند سعی می‌کند، نشان دهد که هنوز هم مرکز توجه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بوده و ظرفیت ایجاد ابتکارات

¹. America's Hegemony

². Unilateralism

³. Manas

⁴. Construction of the Silk Road

⁵. Eurasian Economic Union

موفقیت‌آمیز در مناطق پسا شوروی را دارد. همگرایی اوراسیایی به صورت عام و اتحادیه اوراسیایی به طور خاص می‌تواند به عنوان پاسخی به نتایج و پیامدهای جهانی شدن نئولیبرال^۱ یا به عبارت دیگر به عنوان پاسخی به غرب و آمریکا که در صدد نفوذ و تسلط همه جانبه بر این مناطق هستند در نظر گرفته شود که منجر به افت و افول اقتصادی و اخلاقی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع شده است (عسگریان، ۱۳۹۵).

از سویی، استراتژی مذکور مسکو در آسیای مرکزی تا حدودی باعث تقویت همکاری با جمهوری‌های این منطقه شده و هژمونی آمریکا را کم‌رنگ‌تر کرده است. اما روسیه با سرمایه‌گذاری‌هایی که در بعد نظامی و سیاسی از جمله استفاده کردن از سازمان‌های منطقه‌ای به منظور ادغام کشورهای آسیای مرکزی و کنترل هژمونی آمریکا، قدرت خود را در این منطقه به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران حفظ کرده است. این همکاری در سطح سازمان‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی باعث شده است که با کم‌رنگ شدن نقش آمریکا، آونگ قدرت به نفع مسکو تغییر کند (Huasheng, 2017). بنابراین ضمن تقویت همکاری‌های منطقه‌ای در قالب سازمان‌های مذکور آسیای مرکزی کرملین در اجلاس‌های مختلف به ویژه در نشست آستانه و سوچی (که به منظور حل بحران سوریه برگزار شد)، افزایش پرستیژ بین‌المللی و کاهش نفوذ آمریکا در مناطقی همچون آسیای مرکزی و خاورمیانه را دنبال نمود. چرا که آمریکا قبل از آن منافع مسکو را در این مناطق به رسمیت نمی‌شناخت؛ در حالی که دولت‌مردان مسکو امروز با این اجلاس مبارزه با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا را با جدیت بیشتر از طریق ایجاد ائتلاف و میانجیگری دنبال می‌کند (Hauer, 2018). زیرا به اعتقاد دولت‌مردان مسکو حل کردن تنش و بحران‌هایی که در نتیجه راهبردهای غلط آمریکا در آسیای مرکزی و خاورمیانه شروع شده است، نیازمند همکاری دسته‌جمعی و ایجاد ائتلاف به ویژه دولت‌های این مناطق است (Ruff, 2018). در تکمیل تنش‌هایی که مسکو با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در آسیای مرکزی و سایر مناطق مورد نفوذ خود دارد باید به این مسئله نیز اشاره کنیم که بحث دخالت‌های مسکو به اعتقاد برخی از رسانه‌های غربی در انتخابات آمریکا که منجر به پیروزی ترامپ شد، باعث رقابت هرچه بیشتر این دو کشور برای تامین منافع ملی خود شده است.

^۱. Neoliberal Globalization

قاچاق مواد مخدر^۱ و استراتژی مسکو

با خروج نیروهای نظامی آمریکا و ناتو از افغانستان، جدا از بحث گسترش خشونت و افراطی‌گری مذهبی^۲ مهم‌ترین بحثی که در این کشور در حال توسعه و گسترش می‌باشد تولید و پخش مواد مخدر به سایر کشورهای همسایه می‌باشد. لذا مهم‌ترین منطقه‌ای که در معرض توسعه و ورود مواد مخدر می‌باشند، کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی است. لذا کارشناسان روسیه نگران هستند که افغانستان هم افراطی‌گری مذهبی و هم مواد مخدر را در این کشورها گسترش دهد. مسکو برای جلوگیری از این مسائل در صدد می‌باشد که کمک‌های امنیتی را در مرکز این کشورها افزایش داده تا این دولت‌ها را در برابر تهدیدهای مذکور تقویت کند. یکی از مهم‌ترین اقدامات روسیه و سایر کشورهایی که نگران توسعه مواد مخدر و افراطی‌گری مذهبی به داخل کشورهای آسیای مرکزی هستند، تقویت تجهیزات نظامی کشورهای آسیای مرکزی و آموزش مرزبانان برای جلوگیری از تهدیدهای مذکور است. اما ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد، یک وجه بزرگ مشکلات کشورهای آسیای مرکزی که محل عبور و ترانزیت مواد مخدر هستند، مشکلات و مسائل داخلی این کشورها است (Graubner, 2012).

البته فقر و بیکاری در جمهوری‌های آسیای مرکزی تهدیدهایی نیز برای مسکو به همراه داشته که پذیرش نیروی کارگر خارجی از جمله آن است. کمتر از دو درصد تولید ناخالص داخلی روسیه در پیوند با کشورهای آسیای مرکزی قرار گرفته است، شاید در اقتصاد روسیه این ارقام ناچیز به نظر برسد لیکن از نگاه جامعه‌شناختی^۳ و جمعیت‌شناسی چالش‌هایی که این کارگران مهاجر برای این کشور ایجاد می‌نمایند، اهمیت زیادی دارد. در حالی که برای کشورهای فقیر و کم درآمد آسیای مرکزی این ارقام قابل توجه است، اگرچه چالش‌ها ماهیت اقتصادی دارند، اما ناپهنجاری‌های مختلف اجتماعی را افزایش می‌دهند. به عنوان نمونه قاچاق مواد مخدر از کشورهای آسیای مرکزی و روسیه که حدود ۲۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود، پیامدهای مختلفی را برای کشورهای منطقه به همراه دارد. از این جهت، روسیه در صدد است تا به خاطر چالش‌ها و ناپهنجاری‌هایی که کارگران مهاجر از آسیای مرکزی برای این کشور ایجاد نموده‌اند، تعداد آنها را

¹. Drug Dealing

². Religious Extremism

³. Sociological Look

کاهش دهد. بنابراین می‌توان ادعا نمود که همکاری‌های اقتصادی روسیه با کشورهای آسیای مرکزی دارای تبعات اجتماعی و امنیتی برای این کشور است (مرادی و خیری، ۱۳۹۵). سرگئی لاوروف^۱، وزیر امور خارجه روسیه نیز در این باره بیان داشت، "تردد قاچاقچیان مواد مخدر و داد و ستد آنها جدا از معضلات اجتماعی آن، باعث گسترش تروریسم در آسیای مرکزی و مرزهای مسکو شده است". لذا با توجه به آمارهایی که سازمان ملل متحد مبنی بر افزایش تولید مواد مخدر در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد، مسکو را بر آن داشت، استراتژی خاصی را در این زمینه اتخاذ کند (Ramani, 2017). دولتمردان این کشور در قالب چالش‌های انسانی^۲ در صدد هستند که با توسعه و گسترش نفوذ خود در کشورهای آسیای مرکزی و تقویت سازمان‌های منطقه‌ای به منظور ادغام کشورهای تولیدکننده مواد مخدر، میزان تهدیدهای همه‌جانبه برای کشور را کاهش دهند (Khlebnikov, 2016).

نتیجه‌گیری

آسیای مرکزی از مهم‌ترین مناطق در سیاست خارجی روسیه است. در عین حال مسکو با وجود تحول و قدرت‌گیری مجدد بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برای گسترش نفوذ و همکاری در ابعاد مختلف با کشورهای این منطقه که جزیی از محدوده خارج نزدیک این کشور قرار دارند با چالش‌هایی روبه‌رو است. بر این اساس، مقاله حاضر سعی در پاسخ به این سوال دارد که مهم‌ترین چالش‌های سیاست خارجی روسیه با توجه به سند امنیت ملی این کشور در دوره دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین در آسیای مرکزی برای توسعه همکاری و نفوذ خود با این جمهوری‌ها چه مسائلی را شامل می‌شوند؟ یافته‌های مقاله حاکی از آن است که مهم‌ترین چالش‌های روسیه در آسیای مرکزی را گسترش فعالیت گروه‌های تروریستی و افراط‌گرای مذهبی، گسترش ناتو به شرق، یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و ترانزیت مواد مخدر تشکیل می‌دهند می‌باشد.

گسترش سلفی‌گری و فعالیت‌های تروریستی در کشورهای آسیای مرکزی تاثیر به‌سزایی بر مرزهای روسیه و امنیت منطقه‌ای این کشور داشته است. به گونه‌ای که تضعیف این جریان‌ها و فروپاشی داعش در خاورمیانه این تهدیدها را فزونی بخشیده است. در این

¹. Sergey Lavrov

². Human Challenges

چارچوب علاوه بر اینکه آسیای مرکزی یکی از نقاط هدف این گروه‌ها برای رشد و تجهیز مجدد است، پیوستن اتباع کشورهای این منطقه به گروه‌های سلفی و نیز تهدیدهای ناشی از بازگشت این افراد به سرزمین اصلی این خطر را مضاعف کرده است. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین چالش‌های مسکو در این منطقه بازگشت افراط‌گرایانی است که با کسب تجربه‌های متعدد تروریستی در خاورمیانه، قابلیت تهدید بالفعل امنیت ملی و منطقه‌ای روسیه را دارند. گسترش ناتو به شرق و در سمت مرزهای روسیه چالش دیگری است که مسکو در این منطقه با آن مواجه است. ناتو به عنوان رقیب روسیه از هرگونه اقدام برای توسعه نفوذ در این منطقه استفاده می‌کند. در مقابل، روسیه نیز حضور این بازیگر در جوار مرزهای خویش را از مهم‌ترین تهدیدهای امنیتی به شمار آورده و دولتمردان کرملین در ادوار مختلف توجه فراوانی به آنها نموده‌اند. سرمایه‌گذاری و حضور فعال ناتو در ابعاد مختلف در این منطقه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کاهش نفوذ و تضعیف جایگاه روسیه را به همراه داشته است. تلاش‌های ناتو برای جذب جمهوری‌های این منطقه در روندهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی غربی و به ویژه انرژی این منطقه برای جایگزینی آن با نیاز انرژی به روسیه، بسیار شایان توجه است.

چالش دیگر روسیه در این منطقه، یک‌جانبه‌گرایی آمریکا است. واشنگتن در آسیای مرکزی به دنبال بسط گفتمان هژمونیک خویش بوده و در این چارچوب سعی در نهادینه‌سازی ارزش‌ها و الگوهای سیاسی و اقتصادی غربی در اشکال ساختاری دارد. این رویکرد آمریکا در نقطه مقابل روسیه قرار دارد که از تنزل جایگاه خویش پس از فروپاشی شوروی رضایت نداشته و به دنبال بازگشت به قامت یک ابرقدرت در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است. علاوه بر بعد سیاسی در بعد اقتصادی نیز آمریکا چشم‌داشت قابل توجهی به انرژی این منطقه داشته و خواهان جایگزینی منابع انرژی این منطقه با نفت خاورمیانه است که با منافع روسیه در استفاده از اهرم انرژی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی خویش در تعارض است.

روسیه نیز در پاسخ برای کنترل و محدود کردن نفوذ این بازیگران در صدد همکاری و گسترش نفوذ خود در این منطقه بوده است. یکی از مهم‌ترین استراتژی‌هایی که مسکو برای تقویت جایگاه خود در آسیای مرکزی مورد توجه قرار داد تاسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیایی بوده است. به علاوه، کرملین در قالب اندیشه اوراسیاگرایی و روی کار آمدن

اوراسیاگراها به رهبری پوتین در راه رسیدن به قدرت و عظمت دوره شوروی گام نهاده و بر آن شده است تا در روندهای داخلی و منطقه‌ای جمهوری‌های این منطقه که آن را منطقه انحصاری خود در مقابل اروپا و آمریکا می‌داند، تأثیرگذار باشد. یکی از این مناطق که مورد توجه اوراسیاگراها قرار گرفت آسیای مرکزی بود. لذا ورود و گسترش ناتو به این منطقه را یک تهدید برای استراتژی مذکور و منافع خود تلقی کرده و در تلاش هستند که از میزان نفوذ آن بکاهند.

در نهایت بایستی به چالش ناشی از ترانزیت مواد مخدر از افغانستان و انتقال آن به سایر مناطق است. با وجود حضور طولانی‌مدت نیروهای آمریکا و ناتو در افغانستان، تولید و پخش مواد مخدر از این کشور به کشورها و مناطق همجوار افزایش قابل توجهی داشته است. قرار داشتن آسیای مرکزی به عنوان بلافصل امنیتی با روسیه در معرض این تهدید و مشکلات اجتماعی ناشی از آن، مسکو را نیز نگران کرده است. به علاوه، انتقال و ترانزیت مواد مخدر، تردد نیروهای تروریستی به آسیای مرکزی و مرزهای روسیه را نیز به همراه دارد. در این چارچوب، کارشناسان روسی نگران تأثیر افغانستان در گسترش تولید و ترانزیت مواد مخدر، علاوه بر گسترش افراط‌گرایی، هستند. راه‌حل مسکو برای جلوگیری از این مسئله، اعطای کمک‌های امنیتی به کشورهای این منطقه برای تقویت آنها در برابر تهدید مذکور است.

منابع و مأخذ

- ابوالحسن شیرزای حبیب‌اله (۱۳۹۵)، "مطالعه تطبیقی سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین و مدودف"، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۳.
- ترابی، قاسم و محمدیان، علی (۱۳۹۴)، "تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه از منظر واقع‌گرایی تدافعی"، فصلنامه سیاست‌پژوهی، دوره دوم، شماره ۳، تابستان.
- عسگریان عباسقلی (۱۳۹۵)، "بررسی تحلیلی چالش‌های روند منطقه‌ای سازی آسیای مرکزی"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۰.
- عباسی، مجید و رضا قیاسی (۱۳۹۲)، "راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی موازنه تهدید"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌وهفتم، شماره ۱.
- رنجکش، محمدجواد و لطیفیان، نویدرضا (۱۳۹۴)، "بررسی تاثیر رقابت روسیه و آمریکا بر روند همگرایی و واگرایی منطقه‌ای آسیای مرکزی"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۲.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۱)، "نوواقع‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۱، بهار.
- فلاحی، احسان و عامری، اسدالله (۱۳۹۵)، "ریشه بحران اوکراین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۴.
- فاطمی‌نژاد، احمد و هاشمی، محمدرضا (۱۳۹۴)، "روسیه و آسیای مرکزی: زمینه‌سازی برای جامعه بین‌الملل منطقه‌ای"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، شماره ۳.
- مرادی، مهدی و خیری، مصطفی (۱۳۹۵)، "انتخاب عقلانی و رجحان‌های فدراسیون روسیه در آسیای مرکزی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۶.
- سازمند، بهاره و دیگران (۱۳۸۹)، "نظریه موازنه قدرت التز: نقد و بررسی کارآمدی آن در عصر حاضر"، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ۴.
- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های موازنه قوا، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- هدایتی شهیدانی، مهدی و رضاپور، دانیال (۱۳۹۵)، "جایگاه خارج نزدیک در گفتمان امنیتی نواوراسیاگرایان روسیه"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۶.
- هدایتی شهیدانی، مهدی و سجاد مرادی کلارده (۱۳۹۶)، "تبیین سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری در عراق و سوریه"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۱.

- Aminjonov, Farkhod (2017), "Russia's Evolving Energy Interests in Central Asia and Afghanistan", Available at: <http://caiss.expert/russias-evolving-energy-interests-in-central-asiaand-afghanistan>. Accessed on: 19/3/2018.
- Amadeo, Kimberly (2017), "NATO: Definition, Purpose, History, Members", Available at: <https://www.thebalance.com/nato-purposehistorymembersandalliances-3306116>. Accessed on: 01/7/2017.
- Alekseenkova, Elena (2017), "The U.S. in Central Asia: between «C5+1» and «Make America Great Again", Available at: <http://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/the-u-s-in-central-asia-between-s5-1-and-make-america-great-again>. Accessed on: 14/3/2018.
- Aron, Leon (2016), "Drivers of Putin Foreign Policy", American Enterprise Institute for Policy Research, Available at: <http://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/the-u-s-in-central-asia-between-s5-1-and-make-america-great-again>. Accessed on: 14/6/2016.
- Baldonigiov, Anni (2016), "A Theoretical Analysis of Russian Foreign Policy: Changes Under Vladimir Putin", Available at: <http://www.e-ir.info/2016/09/10/a-theoretical-analysis-of-russian-foreign-policy-changes-under-vladimir-putin>. Accessed on: 10/9/2016.
- Crossa, Sharyl (2015), "NATO-Russia, Security Challenges in the Aftermath of Ukraine Conflict: Managing Black Sea Security and Beyond, Southeast European and Black Sea Studies". *European Interdisciplinary Studies Department*, Vol. 15, Issue 2.
- Chance, Matthew (2016), "What does Russia Want in Syria? 5 Reasons Putin backs Assad", Available at: <http://edition.cnn.com/2016/02/08/middleeast/syria-aleppo-russia-strategy>. Accessed on: 8/10/2016.
- Dempsey, Judy (2017), "NATO's Eastern Flank and Its Future Relationship With Russia", Available at: <http://carnegieeurope.eu/2017/10/23/nato-s-eastern-flank-and-its-future-relationship-with-russia-pub-73499>. Accessed on: 23/9/2017.
- Graubner, Cornelius (2012), "Central Asia: A Look at Sources of Violence and Instability", Available at: <http://www.eurasianet.org/node/65760>. Accessed on: 7/8/2012.
- Hammerstein, David M (2017), "NATO's senior military officer: Russia threat growing on all fronts", Available at: <https://www.politico.eu/article/nato-general-petr-pavelseniormilitaryofficer-russia-threat-growing-on-all-fronts>. Accessed on: 12/3/2017.

- Huasheng, Zhao (2017), "Is Russia's Strategic Presence In Central Asia on the Decline?", Available at: <https://bishkekproject.com/memos/27>. Accessed on: 19/4/2017.
- Hauer, Neil (2018), "Analysis: Russia's Failure at Sochi Means More War for Syria", Available at: <https://www.newsdeeply.com/syria/articles/2018/02/07/analysis-russias-failure-at-sochi-means-more-war-for-syria>. Accessed on: 7/10/2018.
- Hauer, Neil (2018), "Vladimir Putin's Mission Accomplished' Moment", Available at: <http://foreignpolicy.com/2018/02/06/vladimir-putins-mission-accomplishedmoment>. Accessed on: 6/10/2018.
- Kaddorah, Emad (2014), "Flashpoint Ukraine: The Pivot of Geography in Command of the West's Eastern Gateway Arab Center for Research and Policy Studies", Available at: <http://edition.cnn.com/2016/02/08/middleeast/syriaalepporussiastrategy>. Accessed on: 8/10/2014.
- Khlebnikov, Alexey (2016), "What are the Major Security Threats for Russia in Eurasia?", Available at: <http://www.russia-direct.org/debates/what-are-major-security-threats-russia-eurasia>. Accessed on: 20/7/2016.
- Koshkin, Pavel (2016), "Will Central Asia Become a Field of Rivalry or Cooperation?", Available at: <http://www.russia-direct.org/analysis/will-central-asia-become-field-rivalry-or-cooperation>. Accessed on: 10/11/2016.
- Langgozf (2017), "Exporting Jihad – Islamic Terrorism from Central Asia", Available at: <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/oswcommentary/20170412/exporting-jihad-islamic-terrorism-central-asia>. Accessed on: 12 December 2017.
- Mohammadov, A. H & Ashrafi, Morteza (2017), "Investigating the Challenges of Religious Extremism in Central Asia and Its Impact on the National Security of the Surrounding Nations", Available at: QUID 2017, pp. 2789-2796, Special Issue N°1- ISSN: 1692-343X, Medellín-Colombia. Accessed on: 29/9/2017.
- Youngman, Mark & Moore, Cerwyn (2017), "After St Petersburg: Russia and the Threat from Central Asian Terror Networks", Available at: <https://rusi.org/commentary/after-st-petersburg-russia-and-threat-central-asian-terror-networks>. Accessed on: 20/4/2017.
- Mussin, Arman (2017), "Russia's Military Bases in Central Asia", Available at: <https://nupsreview.wordpress.com/2017/01/11/russiasmilitarybasesincentral-asia>. Accessed on: 11/1/2017.
- Oliphant, Roland (2016), "Vladimir Putin blames Nato Expansion for Rising Tension with Europe", Available at:

<http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/vladimirputin/12093042/VladimirPutin-blames-Nato-expansion-for-rising-tension-with-Europe.html>. Accessed on: 20/3/2016.

- Olikier, Olga (2016), "Unpacking Russia's New National Security Strategy", Center for International and Strategic Studies, Available at:

<https://www.csis.org/analysis/unpacking-russias/new-national/security/strategy>, Accessed on: 3/2/2016.

- Olikier, Olga (2016), "Unpacking Russia's New National Security Strategy", Available at:

<https://www.csis.org/analysis/unpacking-russias-new-national-security-strateg>, Accessed on: 7/1/2016.

- Périer, Jean (2017), "NEO – How Come Central Asian States have Become a Breeding Ground for Terrorism", Available at:

<http://www.veteranstoday.com/2017/0e-central-asian-states-have-become-a-breeding-ground-for-terrorism>. Accessed on: 20 March 2017.

- Rywkin, Michael (2015), "Russia and the Near Abroad under Putin American Foreign Policy Interests", *The Journal of the National Committee on American Foreign Policy*. Vol. 37, Issue 4. Accessed on: 11/1/2015.

- Ramani, Samuel (2017), "Russia's Anti-Drug Crusade in Afghanistan", Available at:

<https://thediplomat.com/2017/12/russias-antidrugcrusadeinafghanistan>. Accessed on: 28/11/2017.

- Ruff, Abdul (2018), "Outcomes of the Sochi Conclave on Syria", Available at: <https://modern diplomacy.eu/2018/02/28/outcomes-sochi-conclave-syria>.

Accessed on: 28 February 2018.

- Shuster, Simon (2016), "How the Russian Fighters of ISIS Became a Terror Threat in Turkey", Available at:

<http://time.com/4390090/istanbul-attack-russian-isis-militants>.

Accessed on: 2/6/ 2016.

- Saine, Cindy and GulA, Yaz (2017), "US Wary of Russian Role in Afghanistan as Moscow Holds Talks", Available at:

<https://www.voanews.com/a/unitedstateswaryrussianroleafghanistan/3809349.html>. Accessed on: 12/6/2017.

- Savranskaya, Svetlana and Blanton, Tom (2017), "NATO Expansion: What Gorbachev Heard", Available at:

<https://nsarchive.gwu.edu/briefingbook/russiaprograms/20171212/natoexpansion-what-gorbachev-heard-western-leaders-early>. Accessed on: 21 January 2017.

- Sharkov, demien (2018), "Russia's Military Expansion Makes it Greatest threat to Europe and NATO Must Defend it, Says s. General", Available at:

<http://www.newsweek.com/russias-military-expansion-makesitgreatest-threat-europe-nato-782114>, Accessed on: 19/3/2018.

- Tsereteli, Mamuka (2017), “America Needs Clear Strategy for China's Presence in Central Asia”, Available at: <https://www.silkroadstudies.org/publications/jointcenterpublications/item/13267america-needs-clear-strategy-for-chinas-presenceincentralasia.html>. Accessed on: 21/10/2017.
- Von Hammerstein, Konstantin (2017), “How can NATO Best Address the Russian Threat?”, Available at: <http://www.spiegel.de/international/europe/howcannatobestaddresstherussian-threat-a-1148796.html>. Accessed on: 24 May 2017.
- Ward, Alex (2017), “The 3 Big Take aways from Trump’s New National Security Plan”, Available at: <https://www.vox.com/2017/12/18/16791570/trump-national-security-speech-strategy-revisionist>. Accessed on: 18/10/2017.
- Zaslavskiy, Ilya (2017), “The Kremlin’s Gas Games in Europe, Implications for Policy Makers,” Atlantic Council, Available at: <http://www.atlanticcouncil.org/publications/issuebriefs/the-kremlin-s-gas-games-in-europe-implications-for-policy-makers>. Accessed on: 24/5/2017.